

۲۰۹۵۷۱۲



مذہبہ در قیامت

تجربہ از عریکے بہ مرک

کارے از عرب و فرہنگ

شہید ابراہیم ہادی

www.dawateislami.net



فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران

عنوان و نام پدیدآور: سه دقیقه در قیامت: تجربه‌ای نزدیک به مرگ / کاری از گروه فرهنگی شهیدابراهیم هادی
 مشخصات نشر: تهران: انتشارات شهیدابراهیم هادی، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۹۶ ص: مصور.
 شابک: 978-600-7841-77-8
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 عنوان دیگر: تجربه‌ای نزدیک به مرگ.
 موضوع: تجربه‌ی نزدیک به مرگ.
 موضوع: Near-death experiences
 موضوع: تجربه‌ی دم مرگ --- جنبه‌های روان‌شناسی
 موضوع: Near-death experiences -- Psychological aspects
 موضوع: تجربه‌ی دم مرگ --- خاطرات
 موضوع: Near-death experiences -- Personal narratives
 موضوع: گروه فرهنگی شهیدابراهیم هادی
 شناسه افزوده: Cultural Groups Martyr Ibrahim Hadi
 شناسه افزوده: BF۱۰۴۵
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۳/۸۰۱۳
 رده‌بندی دیویی: ۵۷۲/۱۱۳۹
 شماره کتابشناسی ملی:

سه دقیقه در قیامت

تجربه ای نزدیک به مرگ

کاری از گروه فرهنگی شهید ابراهیم ها

ناشر: نشر شهید ابراهیم هادی

نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۸

شمارگان: ۲۰،۰۰۰ نسخه

بازسازی تصاویر متن و جلد: آتلیه امینا

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ محمد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۴۱-۷۷-۸

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

گروه شهید هادی به هیچ نهاد و ارگان

دولتی وابستگی نداشته و تلاش دارد

در راستای گسترش فرهنگ ایثار

و معنویت قدم بردارد. ان شاء الله

آدرس انتشارات و دفتر گروه شهید هادی:

تهران - بزرگراه شهید محلاتی

خیابان شهید صفیری، نبش کوچه شهید نوری، پلاک ۲

تلفن: ۳۳۰۳۰۱۴۷ و ۳۳۰۲۶۴۸۵ ۳۳۰۲۷۷۶۱۶۴۱

nashrhadi@gmail.com

مرکز پخش شماره (۲): خیابان انقلاب، خیابان وحید نظری، بین فخر رازی

و دانشگاه، پلاک ۶۵، طبقه سوم، واحد ۷ تلفن: ۶۶۴۰۶۷۶۰-۶۶۴۰۷۶۶۱

چاپ تهیه: چای گروه شهید هادی به صورت عمده و با کیفیت، رست اداری با دفتر انتشارات تماس بگیرید.

کتاب گروه: چای را در شهرستان‌ها از فروشگاه‌های عرضه محصولات فرهنگی و کتاب‌های معتبر و مذهبی تهیه نمایید.

بامادرگانال! ناشیبر ابراهیم همراه باشید. (معرفی آثار، اخبار و...)

@nashrhadi



یت ۵۰ / ۱

عقد ۸۳

با ز ۵ / ۵

باغ بهشت ۱

جانبازی در رک ۶۵ / ۶۵

شهید و شهادت ۶۸

حق الناس و حق ۷۱ / ۷۱

یازها ۷۴ / ۷۴

بازگشت ۷۸

نشانه‌ها ۸۳

مدافعان حرم ۸۶

مدافعان وطن ۹۱

مقدمه / ۳

این متن را بخوانید / ۴

روایت افرادی که تجربه نزدیک

به مرگ داشته‌اند / ۱۷

گذر ایام / ۲۲

مجروح عملیات / ۲۶

پایان عمل جراحی / ۲۹

حسابرسی / ۳۳

نیت / ۳۸

نجات یک انسان / ۴۱

سفر کربلا / ۴۳

آزار مؤمن / ۴۵

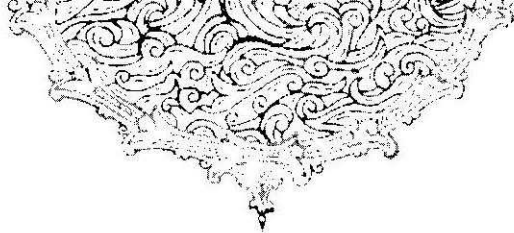
حسینیه / ۴۸

مقدمه

دوستان گروه فرهنگی شهید ابراهیم سال‌هاست که در زمینه شهدا فعالیت دارند. ده‌ها عنوان کتاب که هر کدام به نوعی با موضوع شهدا در ارتباط است، توسط این مجموعه منتشر و مورد استقبال مردم قرار گرفته است. سال ۱۳۹۶ سفری به اصفهان داشتیم. آنجا از یک دوست عزیز که از فرماندهان سپاه بود، شنیدم که ماجرای عجیبی برای همکاری با آنها افتاده. ایشان می‌گفت: همکار ما جانباز و از مدافعین حرم است و در جریان یک عمل جراحی، برای مدت ۳ دقیقه از دنیا می‌رود و سپس با شرکت ایجاد شده در اتاق عمل، دوباره به زندگی بر می‌گردد. اما در همین زمان کوتاه، چیزهایی دیده که درک آن برای افراد عادی خیلی سخت است! همکار ما برای چند نفر از رفقای صمیمی، ماجرایش را تعریف کرد، اما خیلی نمی‌خواست ماجرایش پخش شود. در ضمن، از زمانی که این اتفاق افتاده و از آن سوی هستی برگشته، اخلاق و رفتار فوق‌العاده خوبی پیدا کرده!

مشتاق دیدار این شخص شدم. تلفن کردم و او را گرفتم و چندین بار زنگ زدم تا بالاخره گوشی را برداشت. نتیجه چندین بار مصاحبه و چند سفر و دیدار و ... کتابی شد که در پیش رو من شد است. البته ساعتها طول کشید تا ایشان را راضی کنیم که اجازه چاپ مطالب را بدهند. در ضمن، شرط ایشان برای چاپ کتاب، عدم ذکر راوی ماجرا بود. لذا از بیان جزئیات و مشخصات و نام ایشان معذوریم. در این کتاب سعی بر اختصار گویی بوده و برخی موارد که ایشان راضی به بیانش نبوده را حذف کردیم.

این کتاب در درجه اول بر روی اعضای گروه بسیار تأثیر گذار بود. امیدواریم که ما حاصل پیگیری ما، در بهبود اوضاع معنوی ما مؤثر باشد.



این متن را بخوانید

یکی از بزرگ‌ترین رازها و ناشناخته‌ترین پدیده‌ها، مرگ است. مرگ واقعی است غیرقابل انکار و رسیدن به مرگ برای هر موجود، بنابر گفته کتاب الهی ضروری‌تر از حیات اوست.

آدم از اولین روزهای حیات فکری خویش، به تأمل در ماهیت مرگ پرداخته و این کاوش همچنان ادامه دارد. ادیان، به طرق مختلف سعی کرده‌اند که این پدیده را برای انسان‌ها روشن‌تر سازند، اما برای دانش‌ندان، هنوز هم مرگ عرصه‌ای اسرارآمیز است. ولی برای بررسی انسان، اتفاقاتی رخ می‌دهد که اصطلاحاً به آن اتفاق، تجربه نزدیک مرگ می‌گویند. یعنی خروج روح از کالبد مادی و گشت و گذاری در عالم معنی! آنچه در این تجربه‌ها روی می‌دهد، سست شدن ارتباط روح و بدن مادی است که در پی ضعف این رابطه، روح، آزادی می‌یابد و به مشاهداتی نائل می‌شود که پیش از آن، برایش میسر نبوده؛ مادی‌های ماده را می‌بیند و از نادیده‌هایی آگاه می‌گردد که تا آن زمان از حسی آن‌ها محروم و ناتوان بوده است! در سال‌های اخیر، نظر دانشمندان به خصوص در کشورهای غربی به بررسی پدیده‌ای به نام تجربه نزدیک مرگ، جلب شده است. حتماً شما داستان‌هایی را از کسانی که رازخانه مرگ به زندگی برگشته‌اند شنیده یا خوانده‌اید؟

افرادی که برای مدت کوتاهی قلب آن‌ها از تپش باز ایستاده و زمانی که دوباره قلبشان شروع به تپیدن کرده، هم از مشاهدات خود

گفته‌اند. مطرح کردن تجربیات نزدیک به مرگ، از این جنبه اهمیت دارد که باعث می‌شود، افراد بسیاری که مشابه تجربیات مزبور را داشته‌اند، هجرئت پیدا کنند تا موارد تجربه خود را جدی گرفته، از زیر ضربات اتهاماتی از قبیل: اختلال حواس، هذیان‌گویی، توهم‌زدگی و ... نجات یابند. همچنین این گونه تجربه‌ها، دست کم پیام‌آوری از جهان دیگرند و به صورت هشدار دهنده عمل می‌کنند. اما آیا تجربه‌های نزدیک به مرگ حقیقت دارند؟

آنکه برخی قبل از مرگ، تجربه خروج روح از بدن را داشته‌اند و به اتفاقات آن زمان، کاملاً آگاه باشند! مثلاً برخی افراد، دوباره استیلا شده و روحشان از بدن خارج گردیده و سپس در اثر یک اتفاق یا شریک، روح دوباره به بدن برگردد؟

این سؤالی است که برای بسیاری مطرح است. تجربه‌های نزدیک به مرگ (Near-death-experience) یا به طور مخفف NDE چیست؟ آیا آن‌گونه که شکاکان ادعا می‌کنند؛ این تجربه‌ها توهم بوده و زائیده‌ی فعالیت‌های غیرعادی مغز است که تعادل شیمیایی خود را در حال بحرانی هنگام مرگ از دست داده؟

آیا احساس این تجربه‌ها در اثر مواد دارویی استفاده شده بر روی مریض به وجود می‌آید؟ آیا ممکن است این تجربه‌ها نتیجه‌ی نرسیدن اکسیژن به مغز شخص در حال مرگ باشد؟

آیا کسانی که ادعای تجربه‌ی NDE را کرده‌اند راست می‌گویند؟ آیا ادراک، می‌تواند خارج از مغز آدمی و بدون آن وجود داشته باشد؟ آیا این تجربه‌ها به سؤالات اساسی درباره‌ی جهان و من و ما هدف آن جواب می‌دهند؟ در اینجا به صورت خلاصه، به مهم‌ترین شواهدی که دال بر واقعی بودن تجربه‌ها هستند می‌پردازیم.

۱. برخی کارشناسان، NDEها را زائیده‌ی توهم و فعالیت‌های غیرطبیعی مغز در لحظات بحرانی قبل از مرگ دانسته و یا آن را

نتیجه‌ی نرسیدن اکسیژن به مغز در اثر ایست قلبی، و تشویش و به هم ریختگی شیمیائی مغز خوانده‌اند.

در پاسخ به این گروه باید به این واقعیت اشاره کرد که از نظر دانش پزشکی، مقدار فعالیت مغزی افراد را در هر لحظه می‌توان با نوار مغزی «ای ای جی» اندازه‌گیری کرد. بسیاری افراد، در حالی تجربه‌ی NDE داشته‌اند که نوار مغزی آن‌ها یک خط صاف را نشان می‌دهد است! از نظر پزشکی، این هنگامی اتفاق می‌افتد که سدل‌های مغزی هیچ فعالیت الکتریکی ندارد. در چنین شرایطی مغز توانائی تشکیل فکر و ایجاد تصور و تجسم را نخواهد داشت. در حالی که بسیاری از تجربه‌های NDE طولانی و دارای جزئیات زیاد و به نسبت پیچیده هستند.

اغلب افراد، تجربه خود را بسیار شفاف و زنده می‌خوانند و سطح درک و هوشیاری خود را در حین تجربه، به مراتب بالاتر از آگاهی و هوشیاری در حال بیداری در زندگی روزمره توصیف کرده‌اند. این افراد به حقیر به آن‌ها دیده‌اند کاملاً اطمینان دارند و آن را کاملاً متفاوت از خواب و توهمات ناشی از بیماری یا تب یا مصرف مواد مخدر می‌خوانند. در چندین مورد اشخاصی که NDE خود را گزارش داده‌اند، قبلاً در طول زندگی خود از مواد مخدر یا شیمیائی توهم‌زا نیز استفاده کرده بودند. این بیان نموده‌اند که تجربه NDE آن‌ها کاملاً از مقوله‌ای متفاوت بوده، و در حالت مواد مخدر، که شخص بعد از برگشت به حال عادی، توهم برین آن‌ها را دیده حس می‌کند، در مورد تجربه‌های NDE چنین نبوده است.

همان‌گونه که گفته شد تعداد گزارش‌های NDE منتشر شده به چند ده هزار می‌رسد، این باوجود آن است که تنها اقلیت کوچکی از کسانی که این تجربه‌ها را داشته‌اند در صدد انتشار و بازگو کردن آن برای عامه برمی‌آیند. بسیاری از تجربه‌کنندگان، دچار تحولات

بعضاً عمیقی در زندگی، بعد از تجربه خود می‌شوند و اهداف و ارزش‌های آن‌ها دگرگون می‌گردد. البته این تغییرات برای بعضی نامحسوس و برای بعضی کاملاً بنیادی است. ولی باید به این نکته اشاره کرد که بعد از احیاء، شخص تجربه کننده، باید از طریق کانال ارتباطی کلام و زبان خود، برای بازگو کردن این تجربه به دیگران استفاده کند و گاهی اعتقادات و زمینه‌های فکری افراد، روی نحوه‌ی تعبیر و بیان تجربه NDE آن‌ها مؤثر است.

به عنوان مثال، در بسیاری از NDE ها، تجربه کننده از دیدن وودی نورانی صحبت می‌کند که ملاقات با او، احساس محبت و آرامش و لذت و صف‌ناپذیری را به شخص القاء می‌کند.

تجربه کنندگان ممکن است بسته به زمینه‌ی مذهبی فرهنگی خود، این وجود را میس، بودا، عزرائیل، فرشته، پیامبر و یا خود خدا خوانده‌اند. ولی صرف‌نظر از نام‌گذاری، ماهیت ملاقات با وجودی نورانی با جذابیت بی‌ریز و ویژگی مشترکی بین اکثر تجربه‌ها است. پیم‌ون لومنت، پزشک متخصص قلب در طول ۲۰ سال به‌طور علمی و اصولی و با دیدی مستقیم، تعداد زیادی از بیماران را که دچار ایست قلبی شده بودند مورد بررسی قرار داده و نتایج آن را در سال ۲۰۰۱ در مجله‌ی علمی لاست منتشر نمود. نتیجه‌ی تحقیقات او نشان می‌دهد که هیچ نوع ارتباطی بین تجربه‌ی NDE و طول زمان ایست قلبی یا بی‌هوشی مریض، داروهای استفاده شده، یا ترس قبلی شخص از مردن وجود ندارد. همچنین مطالعات نشان می‌دهند که ارتباطی بین زمینه‌های فرهنگی شخص، نژاد، طبقه اجتماعی، تحصیلات، و حتی آگاهی و اطلاع قبلی از این پدیده یا عدم آن، در تجربه‌های NDE وجود ندارد. ون لومنت از تحقیقات خود نتیجه‌گیری می‌کند که ضمیر یا روح ما بعد از مرگ باقی خواهد ماند.

۲. تعداد زیادی گزارش وجود دارد که در آن، تجربه کننده

۱. کتاب تداوم هوشیاری بعد از مرگ نویسنده: پیم‌ون لومنت. جراح قلب هلندی

در حالی که فاقد هر گونه علائم حیات بوده، توانسته اتفاقاتی که در دنیای فیزیکی رخ می‌داده، مثلاً فعالیت‌های پزشکان در اتاق بیمارستان بر روی بدن او یا حرف‌های اطرافیان را به طور دقیق، دیده و شنیده و بعد از احیاء، آن‌ها را با ذکر جزئیات بازگو کند!

مشاهده بدن خود از خارج، یکی از مشترک‌ترین قسمت‌های NDE هاست. تجربه‌کننده‌ها توانسته‌اند حتی اتفاقاتی را که دور از محل بدنشان، مثلاً مکالمات بین دکترشان و اعضاء خانواده را در اتاق انتظار بیمارستان به درستی گزارش کنند. یکی از مشهورترین موارد از این گونه NDE ها مربوط به خواننده آمریکایی پم رینولدز^۱ است که در سال ۱۹۹۱ در سن ۳۵ سالگی در حالی که بر روی میز او در بیمارستان، جراحی انجام می‌گرفت اتفاق افتاد. این یک عمل جراحی مشکل بود و با روشی ویژه انجام گرفت. برای این جراحی، در این بدن پم رینولدز به ۱۶ درجه تقلیل داده شد و توسط دستک، گردش خون و تنفس وی متوقف شد و جریان خون از مغز وی قطع گردید. علاوه بر این، در طول عمل، چشم‌های او توسط یک برچسب نواری و گشاده نگه داشتند و او توسط گوشی کاملاً بسته بود. او در حین عمل، برای مایه‌های علائم حیات را کاملاً از دست داد، در حالی که نوار مغزی او کاملاً یک خط صاف بود. بعد از احیاء و به هوش آمدن، وی توانسته بود جزئیات آنچه در اتاق عمل در این مدت رخ داده را کاملاً دقیق برای پزشکان و دستپان بازگو کند! گزارش او شامل گفتگوهای بین پزشکان در اتاق عمل، و شکل ابزاری که برای عمل بر روی او استفاده شده، و فعالیت‌های دیگری که در حین عمل رخ می‌داد، مانند ورود و خروج افراد از اتاق عمل بود. گزارش‌های او با واقعیت کاملاً تطابق داشت که بسیار شگفت آور بوده و به هیچ شکل با اصول علمی و عادی که ما می‌شناسیم

قابل توجه نبوده و نیست. او همچنین می گوید که در حین این NDE نوری را دید که به شدت به آن جذب شد و به طرف آن حرکت کرد. با نزدیک شدن، نور بسیار درخشان تر شده و به تدریج، او متوجه شد که می تواند عده ای از بستگان از جمله مادر بزرگ و عموی خود را که مرده بودند، در این نور ببیند!

پم می گوید که با آن ها از طریق تله پاتی و ضمیر صحبت نموده است. ولی بعد از مدتی به او گفته شد که باید به بدن خود باز گردد ولی ر نگاهی به بدن خود نموده و از این کار ممانعت کرد.

عموی پم سعی کرد که او را ترغیب به بازگشت به بدن کند در صورتیکه پم از بیرون می دید که پزشکان دستگاه شوک را روی بدن او گذاشته و برای به کاراندازی قلب، به او شوک وارد می کنند، احساس کرد به سوی بدنش به شدت هل داده شد و او ناگهان خود را در بدن خود یافت! او می گوید که احساس بازگشت به بدن مانند احساس شیرجه در آب مخلوط با یخ بود.

۳. کسانی که کور مادرزاد بوده اند، توانسته اند در حین تجربه ی NDE به راحتی پیرامون خود ببینند. در کتاب «حیات پس از زندگی» دکتر مودی^۱ به گزارش زنی که از بچگی کور بوده اشاره می کند. وی بعد از احیاء، جزئیات آنچه را اتفاق عمل رخ داده بوده و شکل ابزاری که مورد استفاده قرار گرفته، افرادی که به اتاق وارد و یا خارج شده اند و گفت و گوهای میان آن ها را بازگو کرد. برای پزشک این امر غیر قابل باور بود و به همین دلیل او به دکتر مودی معرفی کردند. نمونه ی دیگر، زنی بود که دچار آبسه قلبی شده و خواهر او نیز به خاطر دیابت شدید در بخش دیگری از همان بیمارستان در حالت کما بود. این زن بلافاصله بعد از احیاء به پزشک خود گفت که خواهر من فوت کرده است!

۱. کتاب حیات پس از مرگ اثر ریموند مودی Moody، ترجمه شهناز انوشیروانی

پزشک در ابتدا آن را انکار کرد، ولی بعد از اصرار زن، پرستاری را به بخش دیگر فرستاد که از حال خواهر او باخبر شوند. معلوم شد که ادعای او صحت داشته و خواهر او در همان زمان در گذشته! دکتر کن رینگ و شارون کوپر^۱ نتیجه تحقیقات دو ساله‌ی خود بر روی تجربه‌های NDE افراد نابینا را در کتاب «دید ذهن» منتشر کردند. در این کتاب تجربیات ۳۱ نمونه از نابینایانی که برخی از آنان به طور مادرزادی دچار این نقیصه بودند بیان شده.

این افراد توانسته‌اند پس از بازگشت به زندگی، اشیاء، اشکال و رنگ‌های اطراف خود را چنان که بوده است با جزئیات توصیف کنند. یکی از نمونه‌ها زنی ۴۵ ساله به نام ویکی امپیک است که در حین تولد، عصب بینائی او به خاطر اشکال در دریافت اکسیژن به نطفه آسیب دید و بینائی خود را از دست داد. قلب وی در ۴۵ سالگی در حیرت‌انگیز یک عمل جراحی برای مدتی متوقف شد و دوباره به کار انداخته شد. بعد از به هوش آمدن، وی توانست جزئیات مختلف آن چه حیرت‌آمیزی می‌گذشت را عیناً بازگو کند.

۴. کودکان زیادی تجربه NDE داشته‌اند و گزارش‌های آن‌ها شباهت به تجربه‌ی بزرگسالان دارد،^۲ بالینکه این کودکان هنوز آشنایی قبلی با این پدیده، یا با تعلیمات مذهبی نداشته و ذهنیتی نیز از مرگ و جهان ماوراء و شایع ندارند و محتوای ذهنی آن‌ها تفاوت زیادی با بزرگسالان دارد.

دکتر ملوین مرس^۲، پزشک بخش کودکان بیمارستان راشنگتن در آمریکا، هیچ اعتقادی به زندگی بعد از مرگ نداشته و او در سال ۱۹۸۲ در حین طبابت با اولین مورد NDE یک کودک در کار خود روبرو شد. وی در حالی که در یک کلینیک مشغول

۱. Ring, Ken and Sharron Cooper نویسندگان کتاب «دید ذهن»

۲. دکتر ملوین مرس: نویسنده کتاب «در آغوش نور» و «ادراکات نزدیک به مرگ» ترجمه رضا جمالیان

به طبابت بود، دختر بچه‌ای را که در اثر غرق شدن در استخر، تمام علائم حیات را از دست داده بود و برای مدت ۱۹ دقیقه قلب او متوقف بود را احیاء نکرد. این کودک بعد از احیاء برای دکتر مرس تعریف کرد که چگونه بدن خود و دکتر مرس را در حالی که روی بدن او کار می‌کرده و سعی در احیاء آن داشته را از بیرون می‌دیده! او بعد از احیاء جزئیاتی از آنچه در حین ۱۹ دقیقه توقف قلبی او در بیمارستان رخ داده بود را برای دکتر بازگو می‌کند و می‌گوید که از تونلی آجری عبور کرده و به جایی بسیار زیبا و نورانی رسیده. دکتر مرس به کودک گفت که نمی‌تواند این را به راحتی باور کند و کودک راجع به این گفت «نگران نباش دکتر، بهشت حقیقت دارد!» باز هم که این حیثیات اتفاقات بیمارستان و آنچه در آن اتفاق می‌گذشته در حالی که کودک هیچ علائمی از حیات نداشته، برای دکتر مرس یک شوک بزرگ بود و باعث شد دکتر آن را در ژورنال علمی مشهور «انجمن پزشکی کودکان آمریکا» به عنوان یک مقاله منتشر کند. با وجود جنبه‌های خارق‌العاده این اتفاق، دکتر مرس همچنان در شک خود باقی ماند، بی‌خیال این که موارد مشابهی را از سایر پزشکان می‌شنود تصمیم به تحقیق جدی در این زمینه می‌گیرد. او در بررسی خود ۲۶ کودک که مرد و در بابه احیاء شده بودند را مورد مطالعه قرار داد و آن را با ۱۳۱ کودک که به شدت مریض بودند ولی علائم حیات را از دست ندادند و نجات یافتند. وی دریافت که ۲۳ کودک از ۲۶ نفر، تجربه‌ی NDE داشتند. در حالی که هیچ‌یک از ۱۳۱ کودک در گروه دوم چنین تجربه‌ای را نداشته‌اند. بعد از این تحقیقات، دکتر مرس مطالعه چندین ساله‌ای را روی زندگی این کودکان و اثر NDE روی آن‌ها آغاز کرد و دریافت که تجربه‌ی NDE در زندگی این کودکان اثر مثبتی گذاشته و خصائصی مانند مهربانی و گذشت را در آن‌ها افزایش داده.

۵. تجربه نزدیک به مرگ در بسیاری از افراد تأثیرات عمیقی در زندگی آنها داشته و باعث تغییرات شگرفی در زندگی آنها شده است. در سال‌های اخیر توجه رسانه‌ها و دانشمندان غربی به این پدیده به شدت افزایش یافته است و محققان زیادی در این زمینه تحقیق کرده و تمام آنها جنبه‌های روانی و تغییرات شخصیتی افرادی که تجربه‌ی NDE داشته‌اند را مورد بررسی قرار داده‌اند.

نتایج تمام این تحقیقات نشان داده است که این تجربه‌ها اثرات عمیق روی شخصیت و جهان بینی افراد تجربه کننده می‌گذارد. آن هم در غرب که همه چیز براساس مادیات و منافع مادی تعریف می‌شود. این تغییرات تقریباً همیشه در جهت مثبت است، مانند اساس هدف دار بودن جهان و آفرینش، احساس وجود معنایی عمیق برای زندگی، احساس مسئولیت و رسالت در زندگی، تغییر شغل و نحوه زندگی کردن و گاهی وقف کردن زندگی خود به امور خیریه و بهرمانی‌تر صورت‌تر شدن با مردم، ترک اعتیاد و...

گوردن آلن^۱، مدیر علمی بسیار موفق و ثروتمند در شهر سیاتل آمریکا بود. او بعد از تصادف خود در سال ۱۹۹۳ که در اثر ایست قلبی اتفاق افتاد، از شغل خود استعفا داد. او زندگی بسیار مرفه و شهرت خود را کنار گذاشت و به زندگی ساده‌ای روی آورد و شغل مشاوره‌ی جوانانی که دچار مشکلات شخصی و خانوادگی هستند را انتخاب نمود و به عنوان یک کشیش در کلیسا به خدمت شد. هوارد استرم^۲، استاد سابق و رئیس دانشکده‌ی دین در دانشگاه کنتاکی هیچ اعتقادی به خدا و زندگی بعد از مرگ نداشت. او در سال ۱۹۸۵ در حین یک سفر علمی مریض و در بیمارستان، برای مدتی قلب او متوقف شده و می‌میرد. او بعد از احیاء به کلی متحول شده و زندگی خود را وقف رساندن پیام معنویت به مردم نمود.

1. Gordon Allen

2. Howard Storm

وی که یک منکر به تمام معنی بود، به طور تمام وقت در کلیسا به عنوان کشیش مشغول به کار شد. تجربه NDE وی در چندین برنامه تلویزیونی هلو آمریکا پخش شد. دکتر «جیل بولت تیلر»^۱ دانشمند و متخصص مغز در دانشگاه‌های آمریکاست. او نیز در سن ۳۷ سالگی در اثر پاره شدن یکی از رگ‌های مغزی و خون ریزی شدید، دچار یک سکته‌ی قوی شد و در نتیجه تجربه‌ی NDE داشت. در سال ۲۰۰۸ دکتر تیلر توسط مجله‌ی مشهور تایمز آمریکا در بیست ۱۰۰ نفر از اثر گذارترین افراد قرار داده شد.

وی در کتاب خود به نام «حرکت من به سوی بصیرت: سیاحت شخصی به دایره‌ی دانشمند مغز» می‌گوید که متوقف شدن فعالیت‌های مغزی او باعث شد که حقیقت را از چشم انداز جدیدی ببیند، با دیدی باز را به یاد گذشته و آینده. او در کتاب خود می‌گوید: «... احساسی بالا و پراز شغف ما در خود گرفت. در این حال، آگاهی من به سطحی فراگیر گسترش یافت، چون یکی بودن با تمامی هستی. دیگر مرزهای بین سود و زیان، طراف را حس نمی‌کردم و خود را مانند سیالی حس می‌کردم که در تمام فضا در جریان است. من وارد آنچه بودائیان آن را نیروانا می‌خوانند شده بودم.»

۶. در این تجربیات، احساسات واقعی، اسان از کارها، چه خوب و چه بد مشاهده می‌شود. اینکه خداوند در قرآن به پادشاهان و پادشاهان به ذره‌ای کار خوب و ذره‌ای کار بد مثال زده است، کاملاً مشخص می‌شود.^۲ آقای محمد زمانی ساکن اصفهان و عازم مشهد بود که در سانحه رانندگی از دنیا می‌رود و پس از گشت و گذار در عالم معنی، به دنیا باز می‌گردد. مصاحبه زیبای او از رسانه‌ها پخش شد. او در قسمتی از خاطراتش می‌گوید: در دوران کودکی راهی مشهد بودیم. ماشین جوش آورد و در کنار روستایی متوقف شدیم.

۱. Jill Bolte Taylor

۲. سوره زلزال

راننده ظرف آبی را به من داده و گفت که برو و از آن چشمه‌ای که در آن نزدیکی بود آب بیاور. من ظرف را آب کردم ولی برای من که بچه بودم حمل آن سنگین بود. در راه تصمیم گرفتم کمی از آب ظرف را خالی کنم تا سبک‌تر شود. در آنجا چشمم به درختی افتاد که به تنهائی در زمینی خشک روئیده بود. من به جای اینکه آب ظرف را در همان جا خالی کنم، راهم را دور کرده و آب را پای آن خالی کردم. در مرور زندگیم چنان به خاطر این کارم مورد تشویق قرار گرفتم که باور کردنی نبود! گویی تمام ارواح به خاطر این عمل به من افتخار می‌کردند! این کار کوچک، یکی از بهترین کارهای زندگیم به نظر می‌رسید و برایم عجیب بود. به من نشان داد که این عمل من ارزش بسیاری داشته زیرا کاملاً خالصانه انجام شده و هیچ توقعی در آن برای خودم وجود نداشته است.

۷. ممکن است برای این گونه تصور کنند که این گزارش‌ها می‌توانند دروغ باشند و برای کسب توجه ساخته و پرداخته شده باشند. نفع شخصی یکی از برگ‌ترین انگیزه‌های دروغ گفتن است. افرادی که این تجربه‌ها را بیان کرده‌اند، نه تنها هیچ گونه سودی از بازگو کردن آن نبرده‌اند، اگر با تمسک دیگران روبرو شده و چه بسا به هذیان‌گویی متهم شده‌اند و گاه مردمان را از خود رانده و حتی همسر خود را از دست داده‌اند. بسیاری از ترس عکس‌العمل نزدیکان، آن را در ابتدا با پزشک خود در میان گذاشته‌اند.

با نگاهی منصفانه نمی‌توان تمامی این موارد را دروغ پنداشت. تعداد گزارش‌های منتشر شده‌ی NDE به چند ده هزار می‌رسد و شباهت‌های بین آن‌ها که توسط افرادی کاملاً متفاوت از زمین و زمینه‌های فکری و کشورها و تحصیلات و زمینه‌های مذهبی مختلف گزارش شده است، حتی شکاک‌ترین افراد را به فکر فرو می‌برد. برخی که از نزدیک با این تجربه‌ها آشنایی ندارند بر این تصورند

که این گزارش‌ها برای ترویج مذهب یا اعتقاد به خدا ساخته و پرداخته شده‌اند. همان‌گونه که گفته شد، بسیاری از این تجربه‌ها توسط کودکان خردسالی گفته شده که آشنایی با هیچ‌گونه دین و مذهب یا حتی مفهوم خدا یا جهانی دیگر نداشته‌اند. بسیاری از تجربه‌کنندگان، نه تنها مذهبی نبوده‌اند، بلکه منکر خدا نیز بوده‌اند. بالاخره باید خاطر نشان کرد که اکثر قریب به اتفاق کسانی که از تجربه‌ی خود سخن گفته‌اند، افرادی کاملاً عادی هستند که علاقه یا اساس وظیفه‌ی خاصی برای ترویج دین و مذهب ندارند. تمامی این افراد، به معنوی بودن تجربه‌ی خود اطمینان دارند. اگر این تجربه‌ها درست باشند، منطقی است که بخشی از تجربه‌گران، بعد از بازگشت به زندگی، توهم بودن تجربه خود را درک کنند.

۸ در مورد زندگی، افراد اتفاقاتی از گذشته‌ی خود را می‌بینند که آن را به کلی فراموش کرده بودند و یا این اتفاقات در زمانی رخ داده که بسیار خردسال بودند و یادآوری آن بسیار بعید بوده. همچنین بسیاری اقوام یا درستان در گذشته خود را ملاقات کرده‌اند. گاهی تجربه‌کننده، قبل از تجربه خود، از مرگ کسی که روح او را دیده است بی‌خبر بوده و بعد از برگشت به دنیا خبر مرگ آن شخص برایش محرز می‌گردد. کلتون برپو که مطالب او در کتاب عرش واقعی منتشر شد، یک پسر ۴ ساله در آمریکا بود که در سال ۲۰۰۳ در حین یک عمل جراحی بر روی آپاندیس، به طعنه وقت جان خود را از دست داد. بعد از به هوش آمدن، او برای پدر و مادرش در مورد ملاقات با خواهرش که قبل از تولد او در هنگام به دنیا آمدن مرده بود سخن گفت! برای پدر و مادر کلتون بسیار عجیب بود، زیرا هیچ‌کس به او چیزی درباره‌ی این خواهر سقط شده نگفته بود. او همچنین از ملاقات با پدر پدر بزرگش که ۳۰

سال پیش در گذشته بود سخن گفت! این پسر بچه کارهایی را که افراد، در حین مرگ موقت او می کردند را بازگو کرد!

این ها فقط چند مثال از موارد بی شماری هستند که در آن، افراد بعد از احیاء توانسته اند گزارشی دقیق از آنچه در حال مرگ موقت در محیط پیرامون آن ها می گذشته بدهند. این گزارش ها تفکر و شناخت امروزه ی ما را درباره ی ضمیر انسان زیر سؤال می برند و در حال حاضر با تئوری های علمی قابل توجیه نیستند. ولی باید این نکته را خاطر نشان کرد که اصولاً چنین مقولاتی را نمی توان به راحتی در حوزه ی علم قرار داد. علم، شناخت ما راجع به ارتباط بین بدیده های مادی و تجربه پذیر است. علم برای بررسی یک بدیده و اثبات یا نفی آن نیاز به مشاهده و اندازه گیری قابل تکرار آن بدیده دارد. در غیر این صورت نمی تواند آن را تأیید و یا رد کند. مقوله های زندگی پس از مرگ، خصوصیت لازمه ی علم را ندارند و بنابراین اثبات علمی و مستقیمی برای آن ها نیست. ولی گزارش های دقیق بن افراد، می تواند بیانگر صداقت این ماجرا باشد. البته کسی که اطلاعات از مسائل دینی داشته باشد، با مطالعه خاطرات این افراد، به راحتی می تواند صحت و سقم مطالب آن ها را احساس کند. بسیاری از مطالب این افراد در کتب دینی و روایات اشاره شده و مطالب این افراد تأیید همان مطالب است. البته برخی مواقع نیز، افرادی سودجو پیدا می شوند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند. در کشورهای غربی اخیراً کتابی چاپ شده که نویسنده مطالب خاصی را ادعا کرده! او که یک همجنس باز می باشد، در ورودش به بهشت همراه با پدر بزرگش صحبت می کند! او بارها می گوید: پدر بزرگم مرا به خاطر همجنس گرایی از خود رانده بود، اما در آنجا، به خاطر این موضوع مرتب از من عذرخواهی می کرد و کار مرا تأیید می نمود! این کتاب مدتی دستاویز گروه های همجنس گرا شده بود!